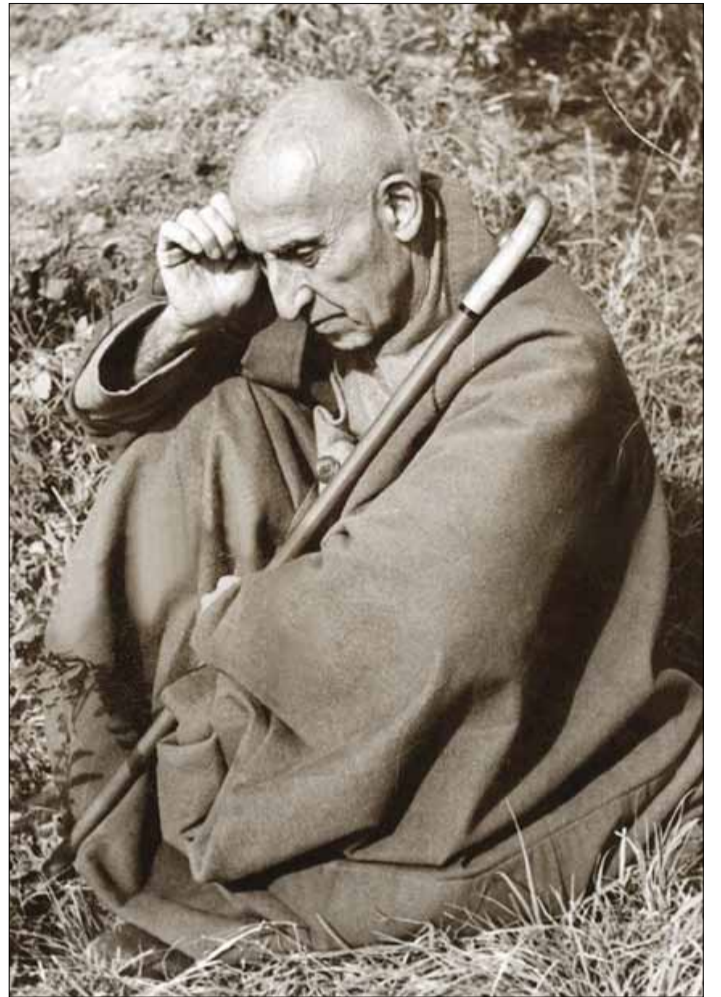


مروری بر مثنی سیاسی دکتر محمد مصدق  
از صعود تا سقوط

# مصدق اول، مصدق ثانی

■ امیرعلی جهاندار



سیاه و سفید دیدن مسائل و اشخاص در بسیاری موارد اشتباه است و برای نگاه دقیق به مسائل باید طیفی از سیاه، سفید و خاکستری را مورد نظر داشت که در این بین مصدق شاید صدقاً بارزی باشد که باید او را به ۲ نیم تقسیم کرد و در کل خاکستری دید که نیمه اولش به سفیدی و نیمه بعدی آن به سیاهی متمایل است! مصدق متقدم را همه با نهضت ملی شدن صنعت نفت می‌شناسند و نطق‌های او و همراهانش در مجلس شانزدهم و مصدق متأخر را با پشت کردن به ملت و استبدادی که منجر به کودتا شد. نیمی از مصدق مربوط به پیش از قیام ۳۰ تیر ۲۱ می‌شود و نیم دیگر آن را بعد از این قیام باید جست‌وجو کرد. برای آنکه این دو مصدق را بیشتر بشناسیم باید به تاریخ رجوع کنیم.

■ مصدق متقدم

مصدق متقدم را باید از سال ۲۸ به بعد دنبال کرد؛ آنجا که با تلاش حسین مکی و سخنرانی چندروزه‌اش در مجلس پانزدهم قرارداد ۱۹۳۳ که دولت مراغای به مجلس آورده بود و به وابسته آن وابستگی کامل به انگلیس امضا می‌شد متوقف ماند و مکی آنقدر صحبت کرد که مجلس پانزدهم رسماً پایان یافت.<sup>(۱)</sup> مصدق که از انتخابات مجلس پانزدهم جا مانده بود، نیروهای نزدیک خود از جمله احمد ملکی (مدیر روزنامه ستاره)، دکتر محمدحسین کاویانی، دکتر کریم سنجایی، مهندس احمد زیرک‌زاده، عباس خلیلی (مدیر روزنامه اقدام)، عمیدی نوری (مدیر روزنامه داد)، دکتر سیدعلی شایگان، شمس‌الدین امیرعلایی، سیدمحمد نریمان، ارسلان خلعتبری، ابوالحسن حائری‌زاده، حسین مکی، مظفر بقایی، عبدالقدیر آزاد، جلالی نایینی (مدیر روزنامه کشور) و دکتر سیدحسین فاطمی را جمع کرد و جبهه ملی را برای انتخابات مجلس شورای ملی در دوره شانزدهم آماده کرد.<sup>(۲)</sup>

از سوی دیگر اعتراضات مردمی به وابستگی‌های شاه و دولتش به انگلستان بویژه بر سر مساله نفت بالا گرفته بود و گروه‌های مردمی مذهبی که عمدتاً پامبیری‌های آیت‌الله کاشانی بودند تجمعات

شما پایین برود»<sup>(۵)</sup> مصدق و یارانش با اجماع نیروهای ملی و مذهبی وارد مجلس شدند و از آنجا به بعد ارتباط آنها با آیت‌الله کاشانی و فداییان اسلام بیش از پیش شد. اگر چه در اهداف تشکیل جبهه ملی «تسهیل قانون انتخابات و ایجاد حکومت ملی» آمده بود و چیزی با عنوان «ملی کردن صنعت نفت» نیامده بود اما بعد از ورود به مجلس برخی اعضای این گروه از جمله حسین مکی و حائری‌زاده نطق‌های متعددی درباره ملی شدن نفت ایراد می‌کردند. اولین سخن دکتر مصدق درباره ملی شدن صنعت نفت به سال ۱۳۲۸ بازمی‌گردد که در نطق خود در مجلس اعلامیه آیت‌الله کاشانی را که به‌تازگی از تبعید بازگشته بود، قرائت کرد.<sup>(۶)</sup>

در یکی از شب‌های آذرماه ۱۳۲۹، اعضای جبهه ملی خدمت آیت‌الله کاشانی رسیدند و در آن جلسه ایشان طرحی تهیه کردند مبنی بر اینکه نفت ایران، ملی و استخراج و فروش آن به دست ایران انجام

شود. چند نفر از جبهه ملی طرح را امضا نکردند از جمله دکتر مصدق با این استدلال که امضای این طرح به معنای لغو کردن قرارداد ۱۳۱۲ است و لغو این قرارداد که به دست رضاشاه امضا شده است، موجب اجرای قرارداد داری می‌شود. مکی می‌گوید پس از چند روز وی را وادار به امضای قرارداد کردیم و این موضوع در متن طرح نیز مشخص است که امضای دکتر مصدق با قلم دیگری انجام شده است. اولین بار که مصدق درباره ملی شدن نفت صحبت کرد، ۲۸ خرداد ۱۳۲۹ در نطق پیش از دستور بود. البته این نطق نیز بیانیه آیت‌الله کاشانی بود که توسط مصدق قرائت شد. آیت‌الله العظمی خوانساری، آیت‌الله العظمی سیدصدرالدین صدر و آیت‌الله العظمی حجت مراجع ثلاث نیز که حوزه را رهبری می‌کردند؛ اعلامیه‌ای را در حمایت از طرح آیت‌الله کاشانی و ملی شدن صنعت نفت صادر کردند.<sup>(۷)</sup>

اطلاعیه‌های دیگر نیز توسط علما در همین زمینه صادر شد. رزم‌آرا تنها مکتبی جدی بر سر ملی شدن صنعت نفت بود که توسط فداییان اسلام از سر راه برداشته شد. آذر ۱۳۲۹، ۱۱ نفر از نمایندگان، طرح ملی شدن صنعت نفت را امضا کردند و چون به ۱۲ نفر رسید، مطرح نشد اما ماه بعد با قتل رزم‌آرا، به جای یک نفر، اکثریت مجلس با این طرح موافقت کردند و تصویب شد.

اتحاد همه گروه‌ها، اتکا به نیروی مردمی و تلاش برای کوتاه کردن دست بیگانه از کشور نقاط مشترکی است که در مصدق متقدم شاهد آن هستیم. نقطاتی که باعث شد وقتی مصدق در ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ از نخست‌وزیری استعفا کرد و قوام روی کار آمد؛ آیت‌الله کاشانی اعلامیه صادر کند که «گر قوام نرود اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده با ملت در پیکار شرکت نمایم». پس از این موضع‌گیری، در سسیام تیرماه بازار تعطیل شد و مردم به خیابان‌ها آمدند و با شعار «یا مرگ یا مصدق»، خواستار سرنگونی قوام‌السلطنه شدند حتی وقتی به دستور شاه مردم به گلوله بسته و عده‌ای کشته شدند، مردم عقب‌نشینی نکردند. آیت‌الله کاشانی خطاب به وزیر دربار شاه که می‌خواست با تطمیع ایشان را وادار به سکوت کند، گفت: «گر بی‌ترنگ دکتر مصدق بر سر کار بازنگردد، شخصاً به خیابان رفته و مبارزه مردم را مستقیماً متوجه دربار می‌کنم»<sup>(۸)</sup>

آن چند ماه نخست‌وزیری مصدق را می‌توان

چند ماه تاریخی برای ایران در نظر گرفت که با همه فشارها و محاصره اقتصادی و عدم فروش نفت ایران بدون اتکا به درآمد نفتی اداره می‌شد و اگر اشتباهاتی در این مسیر- از جمله انتشار اسکناس بدون پشتوانه که تورم ایجاد کرد- صورت نگرفته بود، ایران از فراز محاصره اقتصادی هم گذر کرده بود. زمانی که دولت مصدق در ضمیمه اقتصادی قرار گرفت و اقدام به فروختن اوراق قرضه عمومی کرد، آیت‌الله کاشانی در پیامی خطاب به مردم آنها را به خرید اوراق تشویق کرد و گفت: «هرروز است آن روزی که جهاد شما باید با بذل مال به‌عمل آید. خریداری اوراق قرضه بر ذمه آحاد ملت مسلمان است.» و مسؤولان به پشتوانه نیروی مردمی که اگر چه در تنگنا بودند اما اوراق قرضه نفتی را خریداری می‌کردند که دولت سقوط نکند، بدون دخالت بیگانه کشور را اداره می‌کردند.

■ مصدق متأخر

اما مصدق متأخر متفاوت از مصدق متقدم است. مصدقی که بعد از قیام ۳۰ تیر دوباره بر مسند نشست دیگر به آرای ملت توجهی نداشت و نگاهش از تکیه بر نیروی داخلی به اعتماد و خوشبینی به یک نیروی خارجی رسید. مصدق در یک چرخش ایران را از دامن انگلستان به دامن آمریکا انداخت. مصدق برای آنکه یک جنگ دیپلماتیک به راه بیندازد و جایگزینی برای فروش نفت پیدا کند، به سمت آمریکایی‌ها گرایش پیدا کرد اما آمریکایی‌ها با کودتا جواب مصدق را دادند تا به او بفهماند وابستگی به هر جا که باشد مذموم است.<sup>(۹)</sup>

مصدق در این دوره، اقدام به تصفیه نیروهای نزدیک به خود کرد و اولین مغضوبان مصدق متأخر فداییان اسلامی بود که جرعه‌های ملی شدن نفت را زده بود. پس از پیروزی مصدق، نواب تنها زندانی سیاسی ملیون بود و فداییان تنها مغضوبان سیاسی در گاه مصدق.<sup>(۱۰)</sup> نفر بعدی که مصدق از او فاصله گرفت، آیت‌الله کاشانی بود که همه پشتوانه مردمی مصدق از حمایت ایشان حاصل شده بود. مصدق که وزی خود با رأی مردم به مجلس ملی راه یافته بود و مجلس را دست قدرت ملت می‌دانست، مجلس هفدهمی را که آیت‌الله کاشانی، ریاست

آن را به اصرار ملی‌گراها پذیرفته بود منحل کرد و ایشان را از صحنه سیاسی کشور کنار گذاشت. آیت‌الله کاشانی حتی یک روز قبل از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، با ارسال نامه‌ای به دکتر مصدق، به او خطر بروز کودتا را گوشزد کرد و پیشنهاد همکاری مجدد را برای جلوگیری از کودتا داد و نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از وقوع کودتا و شکست نهضت به کار برد؛ هر چند دکتر مصدق در پاسخ او نوشت: «این جانب مستظفر به پشتیبانی ملت هستم»<sup>(۱۱)</sup>

استبداد رأی مصدق محدود به آیت‌الله کاشانی نمی‌شد و حتی شامل ملی‌گرایانی که مصدق با آنها جبهه ملی را تشکیل داده بود هم شد به گونه‌ای که هنگام کودتای ۲۸ مرداد، تنها ۴-۵ نفر از حلقه ملی‌گرایان با مصدق مانده بودند. آری! مصدق در چاهی که خود کنده بود فروافتاد و در این راه حتی فاطمی با او همراه نبود و برای او شهید نشد، چرا که فاطمی را به‌خاطر اعلام جمهوری در ۲۶ مرداد در جلالیه و دیگر اقداماتش علیه سلطنت اعدام کردند و نه به‌خاطر همکاری با مصدق و البته بر خلاف فاطمی، مصدق تا آخر به شاه وفادار ماند و آنگونه که در تاریخ آمده هیچ‌گاه لفظ «فدوی»

بی‌نوشت:

- ۱- خاطرات سیاسی. کریم سنجایی. صدای معاصر. تهران ۱۳۸۱ (ISBN 964-6494-36-6)
- ۲- حزب پان ایرانیسم - به روایت استاد- شهلا بختیار - مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۵
- ۳- نیم‌قرن خاطره و تجربه، خاطرات مهندس عزت‌الله سبحانی، جلد اول، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۶
- ۴- گفت‌وگوی جماران با استاد سیدهادی خسروشاهی درباره فداییان اسلام؛ ۱۳۸۹/۱۰/۲۷
- ۵- محمود کاشانی و حسینیان؛ همایش «تأملات‌های روابط مصدق و آیت‌الله کاشانی؛ آیت‌الله کاشانی مبتکر ملی شدن صنعت نفت»
- ۶- همان
- ۷- همان
- ۸- روزنامه باختر امروز، ۲۹ / ۴ / ۱۳۳۱
- ۹- کودتا سرانجام یک خوش‌بینی، مصاحبه دفتر نشر مقام معظم رهبری با دکتر سیدمصطفی تقوی؛ ۹۲/۱۲/۲۷
- ۱۰- نیم‌قرن خاطره و تجربه، خاطرات مهندس عزت‌الله سبحانی، جلد اول، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۶
- ۱۱- انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، نشر معارف، ص ۶۴؛ ر.ک: حدیث پیامانه، حمید پارسائیان، نشر معارف، ۱۳۷۶، ص ۲۷۸.
- ۱۲- خاطرات و تألمات ص ۲۱۸
- ۱۳- در جست‌وجوی راه از کلام امام / جلد ۱/ ص ۲۴۱

تقریب تاریخ

## انقصاد عهدنامه «ارز روم» میان ایران و عثمانی (۱۲۲۶ ش)

در زمان سلطنت محمدشاه قاجار، والی بغداد به تحریک بازرگانان بصره که از رونق گرفتن بندر خرمشهر زیان دیده بودند، این بندر را مورد تجاوز قرار داد و پس از کشته و زخمی کردن عده‌ای، اموال بازرگانان را به غارت برد. در پی آن، دولت ایران نماینده‌ای به عثمانی فرستاد تا با آنان به مذاکره پرداخته، جبران خسارات وارده را خواستار شود. در این اثنا، دولت عثمانی مدعی شد بندر خرمشهر جزو خاک عثمانی است و این حادثه را مساله‌ای داخلی می‌داند. در پی این ادعا، دولت ایران نیز تهدید کرد به تلافی حمله به خرمشهر، شهر بغداد را هدف حملات خود قرار خواهد داد. اما دولت عثمانی که پس از جنگ‌های خود با روسیه، تمایلی به جنگ با ایران نداشت، نماینده‌اش را به ایران فرستاد و بندر خرمشهر را تخلیه کرد. پس از آن، مذاکرات ۲ طرف آغاز شد. در آن اثنا بار دیگر کشتاری در کربلا روی داد و در آن ایرانیان مقیم کربلا قتل عام شدند. این حادثه، دولت ایران را بشدت عصبانی کرد اما با تلاش‌های سیاسی، مذاکرات صلح آغاز شد و پس از گذشت ۲ سال، قرارداد ارز روم در دهم خرداد ۱۲۲۶ ش برابر با ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۲ ق بین ایران و عثمانی امضا شد. نماینده معروف به امیر کبیر بود که تلاش و تدبیر او، شگفتی و تحسین نمایندگان روس و انگلیس را برانگیخت. به موجب این پیمان دولت ایران از ادعای خود نسبت به سلیمانیه چشم پوشید و در عوض دولت عثمانی مالکیت ایران بر بندر خرمشهر و حق کشتیرانی در رودخانه شط‌العرب را به رسمیت شناخت و مقرر شد دولت عثمانی از بدرفتاری با زائران و بازرگانان ایرانی پرهیز کند.

## آغاز قیام سرداران

علیه نیروهای مغول (۷۳۸ ق)



پس از یکصدویست سال استیلای قوم تاتار و مغول بر ایران و بسیاری از مناطق آسیا، قیام مردمی در باشتین و سبزووار خراسان علیه ظلم و تعدی حاکمان مغول و عاملان مزدور آنان به وقوع پیوست. این نهضت که به قیام «سرداران» شهرت یافته است، از لحاظ وسعت، بزرگ‌ترین و از نظر تاریخی مهم‌ترین جنبش آزادیبخش خاورمیانه در قرن هشتم هجری بود. تلاش پیگیر رهبران آزاده و متدین این قیام، منجر به تشکیل حکومت مستقل ملی و شیعه مذهب ایرانی در خراسان شد. مهم‌ترین ویژگی‌های این حکومت عبارت بود از: تنفر و انزجار از عنصر مغولی و تثبیت ایدئولوژی تشیع، نخستین حاکم سلسله سرداران، «عبدالرزاق باشتینی» بود که به مدت ۲ سال و ۴ ماه حکومت کرد. پس از وی، «برادرش وجیه‌الدین امیرمسعود» به حکومت رسید. امیرمسعود به خاطر اختلاف با شیخ حسن جویری (رهبر روحانی نهضت سرداران) و توطنه در قتل او، پایگاه مردمی خویش را از دست داد و حکومتش به‌تدریج رو به ضعف نهاد. به همین جهت سپاهش در نبرد با امرای مازندران متحمل شکست شد و خود وی کشته شد. پس از مرگ امیرمسعود، ۱۰ تن دیگر از این سلسله به حکومت رسیدند. سرانجام در پی هجوم «امیر ولی» به سبزووار و محاصره ۴ ماهه این شهر در سال ۷۸۳ قمری، خواجه علی مؤید، دست نواز به سوی «تیمور لنگ گورکانی» دراز کرد و از او یاری خواست. با تسلیم شدن خواجه علی مؤید به تیمور لنگ، پرونده حکومت سرداران نیز برای همیشه بسته شد و منطقه خراسان پس از ۴۶ سال رهایی از یوغ استعمار مغولان، مجدداً مقهور و مغلوب آنان شد.

## کشف عامل بیماری سیاه‌خیم توسط «لویی پاستور» (۱۸۸۱ م)



باکتری باسیلوس آنتراکس، عامل بیماری سیاه‌خیم است. نام‌های دیگر این بیماری در زبان انگلیسی آنتراکس (Anthrax) و به فرانسوی شارین است. نام آنتراکس از کلمه یونانی (anthrakis) به معنی زغال گرفته شده که به‌دلیل زخم سیاه‌رنگی است که در این بیماری به‌وجود می‌آید. سیاه‌خیم از بیماری‌های مشترک انسان و تعداد زیادی از حیوانات است که البته در حیوانات شایع‌تر و در انسان کمتر است.

